

## تفاوت‌های جنسیتی در ابعاد هویت دانشجویان

دکتر رقیه موسوی<sup>۱</sup>  
سعید اکبری زردخانه<sup>۲</sup>  
ذبیح الله کاوه<sup>۳</sup>

### چکیده

هدف پژوهش حاضر، بررسی ابعاد هویت در بین دانشجویان با تاکید بر نقش تفاوت‌های جنسیتی بود. جامعه آماری پژوهش حاضر شامل کلیه دانشجویان مشغول به تحصیل دانشگاه های شهر تهران بود. نمونه در برگرفته ۱۰۰۰ نفر بود که با استفاده از روش نمونه‌گیری تصادفی طبقه‌ای نسبتی انتخاب شده بودند. ابزارهای پژوهش عبارت بودند از مقیاس هویت دینی و ملی، و پرسشنامه‌ی تجدیدنظر شده‌ی سبک هویت. از آزمون تحلیل واریانس چند متغیری در تجزیه و تحلیل داده‌ها استفاده شد. یافته‌های پژوهش نشان داد گروه دختران در سه زیر مقیاس سبک اطلاعاتی، هنجاری و تعهد دارای میانگین بالاتری در مقایسه با گروه پسران است. این در حالی است که گروه پسران در زیر مقیاس سردرگم/اجتنابی بالاتری دارد. گروه دختران در کلیه زیر مقیاس هویت ملی و دینی دارای میانگین بالاتری در مقایسه با گروه پسران است. در مجموع پژوهش حاضر نشان داد کلیه زیر مقیاس‌های هویت اطلاعاتی، هنجاری و تعهد، هویت دینی و ملی در دانشجویان دختر در مقایسه با دانشجویان پسر بیشتر است. در حالی که هویت سردرگم و اجتنابی در پسران بالاتر است. این یافته‌ها موید وجود نابسامانی روان‌شناختی و اجتماعی در دانشجویان پسر در مقایسه با دانش‌آموزان دختر است و از آنجائی که قشر مذکر جامعه قشر فعالتر و پویاتر اجتماع به‌شمار می‌روند، لذا توجه جدی مسئولین ذی‌ربط را می‌طلبد.

**کلید واژه‌ها:** هویت روان‌شناختی، هویت ملی، هویت دینی

۱. استادیار گروه مشاوره دانشگاه شاهد email: Mousavi@shahed.ac.ir

۲. دانشجوی دکتری سنجش و اندازه‌گیری دانشگاه علامه طباطبائی

۳. دانشجوی کارشناسی ارشد مشاوره دانشگاه اصفهان

## مقدمه

از واژه هویت نخستین بار فروید استفاده نمود و سپس آن را با معنای ضمنی روانی - اجتماعی در آمیخت. در آن زمان فروید سعی می‌کرد از یک هویت درونی برای تشکیل مفهومی ضمنی در میان مردم یهودی صحبت کند که بر نژاد و مذهب تکیه داشتند و تأکید آنان بیشتر بر آمادگی برای زندگی دوگانه با زندگی کنونی و عاری از تعصب و کاملاً عقلانی بود. نظریه پردازان هویت را می‌توان گروهی از نظریه‌پردازان روان‌شناسی من<sup>۱</sup> دانست که وجه اشتراک آنها تأکید بر تأثیر جنبه‌هایی از محیط اجتماعی و فرهنگی بر من و رشد و عملکرد آن دانست. در این زمینه می‌توان به نظریات اریکسون<sup>۲</sup>، گلاسر<sup>۳</sup>، کگان<sup>۴</sup>، بلوس<sup>۵</sup>، لوینگر<sup>۶</sup>، کلبیرگ<sup>۷</sup>، مارسیا<sup>۸</sup>، آدامز<sup>۹</sup> و برزونسکی<sup>۱۰</sup> اشاره کرد (قسامی، ۱۳۸۲).

اریکسون (۱۹۶۸) یک چارچوب اولیه و مؤثر برای بررسی دو حیطة روانی - اجتماعی فراهم می‌کند. او در کل، هشت مرحله رشدی را در گستره زندگی انسان‌ها مشخص می‌کند. حل تعارض مرحله پنجم است که تعارض هویت در برابر بی‌هویتی است، در نوجوانی و اوایل جوانی رخ می‌دهد و تقریباً همزمان با ورود به دانشگاه است (کوت<sup>۱۱</sup>، ۲۰۰۹). وی احساس داشتن هویت را این گونه مفهوم‌سازی کرده است: سازماندهی پویا و خودساخته از سائق‌ها، توانایی‌ها، باورها و تاریخ شخصی به صورت یک خود<sup>۱۲</sup> منسجم و مستقل که هدایت‌کننده

- 
1. ego
  2. Erickson
  3. Glasser
  4. Kegan
  5. Blos
  6. Lovenger
  7. Kolberg
  8. Marcia
  9. Adams
  10. Berzonsky
  11. Cote
  12. self

مسیر در حال رشد زندگی فرد است.

بر اساس نظر آدامز (۱۹۹۸) کارکردهای متداول ابعاد مختلف هویت عبارتند از: الف) ارائه‌کننده ساختاری ذهنی که به واسطه آن فرد احساسی از اینکه چه کسی هست پیدا می‌کند؛ ب) از طریق تعهدها، ارزش‌ها و اهداف به زندگی فرد معنا و جهت می‌بخشد؛ ج) احساس کنترل شخصی و اراده آزاد را فراهم می‌آورد؛ د) برای ایجاد ثبات، پیوستگی و هم‌خوانی بین ارزش‌ها، عقیده‌ها و تعهدات کوشش می‌کند؛ ه) از طریق احساس درک امکان‌های آینده و انتخاب‌های ممکن قدرت تشخیص ظرفیت‌های بالقوه را ایجاد می‌کند.

اریکسون معتقد است که درک هویت خود مستلزم تعامل روانی-اجتماعی است. به عبارت دیگر نوجوان باید بین تصویری که از خودش دارد و تصویری که فکر می‌کند دیگران از وی دارند، هماهنگی ایجاد کند. نوجوانان و بزرگسالانی که احساس هویت در آنان قوی است، خود را افرادی مجزا و متمایز از دیگران می‌دانند (ماسن<sup>۱</sup>، ۱۳۸۰). اریکسون (۱۹۸۳؛ نقل از مونتگومری<sup>۲</sup>، ۲۰۰۵) عنوان می‌کند که تجارب این مرحله از رشد می‌تواند به طور مستقیم بر بقیه زندگی بزرگسالی اثر بگذارد.

هویت‌یابی، ابعاد مختلف و نحوه شکل‌گیری آن از موضوعاتی است که به دلیل نقش آن در کیفیت زندگی افراد مورد توجه روان‌شناسان قرار گرفته و پژوهش‌های متعددی را در پی داشته است (اریکسون، ۱۹۶۸؛ مارسیا، ۱۹۸۳؛ شهرآرای، ۱۳۸۴؛ برزونسکی، ۲۰۰۳). شواهد تجربی بیانگر این هستند که شکل‌گیری هویت در میانه نوجوانی شروع می‌شود، تا اواخر نوجوانی و اوایل بزرگسالی ادامه می‌یابد، قبل از آنکه این فرایند در بزرگسالی تثبیت شود (کرجر، مارتینسن و مارسیا<sup>۳</sup>، ۲۰۱۰).

1. Mussen

2. Montgomery

3. Kroger, Martinussen, & Marcia

یکی از موضوعاتی که مورد توجه بسیاری از روان‌شناسان شخصیت و رشد بوده فرایند تحولی هویت‌یابی و عوامل مؤثر بر آن است. بر اساس مبانی نظری هویت و یافته‌های پژوهشی، عواملی مانند عوامل خانوادگی، فرهنگی - اجتماعی و تفاوت‌های فردی از جمله عواملی هستند که فرایند هویت‌یابی را تحت تاثیر قرار می‌دهند. از این میان نقش تفاوت‌های جنسیتی در رشد هویت از موضوعاتی بوده است که هم به لحاظ نظری و هم به لحاظ پژوهشی نظریات متفاوتی را در پی داشته است.

اریکسون اظهار می‌دارد که رشد هویت برای مردان و زنان ممکن است کاملاً متفاوت باشد. وی پیشنهاد می‌کند که تفاوت‌های کالبدشناختی ممکن است در ویژگی‌های فرایند رشد هویت اثر بگذارند. بعد از چندین مطالعه، پژوهشگران نتیجه گرفته‌اند که تفاوت‌های جنسی ممکن است در برخی از جنبه‌های شکل‌گیری هویت و در آنچه هویت موفق را تشکیل می‌دهد، مؤثر واقع شوند. در مطالعاتی که واترمن<sup>۱</sup> (۱۹۹۹) آنها را شرح داده است، پژوهشگران در برخی مباحث هویت به‌ویژه در نگرش نسبت به رابطه جنسی پیش از ازدواج، تفاوت‌هایی نشان نداده‌اند؛ اما به طور کلی هم مردان و هم زنان در سطح دبیرستان و دانشگاه از الگوهای مشابه شکل‌گیری هویت پیروی کردند.

مارسیا (۱۹۸۳ و ۱۹۶۶) بر اساس مفهوم هویت اریکسون، روش خاصی را برای مطالعه وضعیت هویت در نوجوانان ارائه کرد. طبقه بندی مارسیا نشان می‌دهد که چگونه نوجوانان در مورد مسائل مربوط به هویت خود به جستجوگری و اکتشاف می‌پردازند و چه تعهداتی در برابر ارزش‌های خاص، نقش‌ها و روابط اجتماعی به دست می‌آورند. در وهله اول، چنین به نظر می‌رسد که نیاز به هویت‌یابی برای دختران و پسران به یک اندازه مطرح است، ولی

مطالعات آرچر<sup>۱</sup> (۱۹۸۵) نشان داده‌اند که فرایند و شاید نتایج هویت‌یابی برای دختران و پسران فرق می‌کند. برای مثال، در حالی که دختران و پسران در مورد تصمیم‌های شغلی خود شبیه هستند، دختران در انتظارات شغلی خود بیشتر به برقراری تعادل بین نیازهای خود با دیگران، به ویژه خانواده آینده، توجه دارند. هر چند دختران و پسران تکلیف شکل‌گیری هویت را در دوران نوجوانی شروع می‌کنند؛ ولی ضرورت‌های مختلف فرهنگی موجب می‌شود که مسائل مربوط به هویت را در زمان‌های مختلف حل کنند. حداقل، برای بعضی از زنان، تغییرات مربوط به هویت در طول بزرگسالی ادامه می‌یابد و احتمال آن در دوران انتقال (رفتن فرزندان از خانه، طلاق) افزایش می‌یابد. پژوهش‌هایی که در دهه ۱۹۸۰ انجام گرفت، حاکی از آن است که اندیشه هویت ممکن است برای زنان و مردان متفاوت باشد.

با این‌که تاکیدات پیشین بر هویت، معطوف به حس شخصی از خود<sup>۲</sup> است که در انتخاب مربوط به شغل و ارزش‌ها نشان داده می‌شود، پژوهشگرانی چون جاسلسون<sup>۳</sup> (۱۹۸۲) نشان داده‌اند که زنان درک دیگری از هویت دارند، که در آن حس شخصی از خود مربوط به روابط با دیگران است. به عبارت دیگر، مفهومی که فرد از هویت خود دارد با روابط او با دیگران ارتباط مستقیم دارد. تفاوت‌های جنسی، مربوط به تفاوت بین انتظاراتی است که از طریق برخوردهای گوناگون با دختر و پسر از لحظه تولد فرا گرفته می‌شود (هوستون<sup>۴</sup>، ۱۹۸۳). انتظارات مربوط به جنس، معمولاً در دوران نوجوانی شدت می‌یابد، زیرا والدین و همسالان بر این باورند که نوجوانان باید با نزدیک شدن به دوران بزرگسالی بیشتر از نقش‌های مناسب جنسی، پیروی کنند. انتظارات از دختران و پسران متفاوت است. از پسران بیشتر انتظار می‌رود که ویژگی‌هایی نظیر ابراز وجود،

---

1. Archer

2. individual sense of self

3. Josselson

4. Huston

اتکا به خود، خودکفایی، تسلط‌جویی، منطقی‌بودن در حل مسائل و تصمیم‌گیری و دفاع از باورهای شخصی داشته باشند. در مقابل، از زنان انتظار می‌رود که نسبت به دیگران حساسیت نشان دهند، در ابراز خود عاطفی باشند و در حل مسائل به جای منطقی از شهود<sup>۱</sup> استفاده کنند و در روابط خود با دیگران نقش پرورشی یا تربیت‌کننده را بر عهده بگیرند.

گیلیگان (۱۹۸۷)، چودورو (۱۹۷۸) و جسلسون (۱۹۸۸) بر این باورند که تکالیف روانی<sup>۲</sup> دختران و پسران در سنین نوجوانی متفاوت است. به نظر این پژوهشگران، تفاوت اساسی مربوط به فعالیت‌ها و تکالیف رشدی است که به مفاهیم استقلال و خودمختاری<sup>۳</sup> و جدایی<sup>۴</sup> مربوط می‌شود. به نظر آنها، نقش‌های جنسی مردانه، به طور سنتی بر استقلال و خودمختاری تاکید داشته است؛ حال آن که در مورد زنان، تاکید بیشتر بر مراقبت از دیگران، صمیمیت و وابستگی به یکدیگر بوده است (شهرآرای، ۱۳۸۴). همچنین، اگرچه نادر است، ولی برخی یافته‌ها نیز تفاوت در اجتماعی‌سازی<sup>۵</sup> نقش جنسیتی را بازتاب می‌دهند، که در آن به پسران در مقایسه با دختران آزادی بیشتر و تحت نظارت کمتری قرار می‌گیرند (برزنسکی، ۲۰۰۸).

با توجه به اهمیت رابطه هویت با بسیاری از متغیرهای روان‌شناختی و به دلیل عدم وجود شواهد همسو و روشن در زمینه رابطه هویت و جنسیت؛ و از سوی دیگر تفاوت‌های کاملاً مشخص در نقش‌ها، شیوه‌های ادراک، تفسیر و ارزش‌گذاری جنسیت در فرهنگ‌های گوناگون، پژوهش حاضر در پی آن است که تفاوت‌های جنسیتی دانشجویان را ابعاد مختلف هویت در فرهنگ

- 
1. intuition
  2. psychological tasks
  3. autonomy
  4. separation
  5. socialization

ایران مورد بررسی قرار دهد.

### روش پژوهش

جامعه آماری پژوهش حاضر شامل کلیه دانشجویان مشغول به تحصیل در دانشگاه‌های شهر تهران در سال تحصیلی ۱۳۸۶-۱۳۸۷ است. نمونه مورد نیاز پژوهش حاضر به حجم ۱۰۰۰ نفر و با استفاده از روش نمونه‌گیری تصادفی طبقه ای نسبتی از بین دانشجویان دانشگاه‌های شهر تهران- دانشگاه علامه طباطبائی (۱۱/۴۰ درصد گروه نمونه)، دانشگاه صنعتی شریف (۱۰/۲۰ درصد گروه نمونه)، دانشگاه تهران (۱۱/۲۰ درصد گروه نمونه)، دانشگاه علم و صنعت (۱۱/۴ درصد گروه نمونه)، دانشگاه شاهد (۱۱/۹ درصد گروه نمونه)، دانشگاه امیرکبیر (۱۰/۷۰ درصد گروه نمونه)، دانشگاه تربیت معلم (۸/۲۰ درصد گروه نمونه)، دانشگاه خواجه نصیرالدین طوسی (۱۱/۴۰ درصد گروه نمونه)، دانشگاه شهید بهشتی (۱۲ درصد گروه نمونه)- انتخاب گردید.

در این پژوهش از یک پرسشنامه و یک مقیاس با مشخصات زیر به منظور جمع آوری داده‌ها استفاده شد:

پرسشنامه‌ی تجدیدنظر شده‌ی سبک‌هویت<sup>۱</sup>: این پرسشنامه دارای ۴۰ ماده و ۴ خرده مقیاس با عناوین سبک هویت اطلاعاتی، سبک هویت هنجاری و سبک هویت سردرگم و تعهد است. برزونسکی<sup>۲</sup> (۱۹۹۲) ضریب آلفای کرونباخ خرده مقیاس‌های اطلاعاتی را ۰/۶۲، هنجاری را ۰/۶۶ و سردرگم اجتنابی را ۰/۷۳ گزارش کرده است. غضنفری (۱۳۸۳) نیز ضمن تائید روائی و اعتبار این ابزار آنرا برای جامعه ایران استاندارد و هنجاریابی نموده است.

مقیاس هویت دینی و ملی: این مقیاس دربرگیرنده ۲۲ ماده است که هویت دینی و اخلاقی و هویت ملی را مورد سنجش قرار می‌دهد. هویت دینی و

1. Identity Style Inventory (ISI)

2. Berzonsky

اخلاقی شامل دو خرده‌مقیاس با عناوین هویت سخت‌گیرانه دینی و هویت سهل‌انگارانه دینی است. هویت ملی نیز مشتمل بر خرده‌مقیاس‌های ایران دوستی و هویت دفاع از سرزمین است. لطف آبادی و نوروزی (۱۳۸۳) روائی این ابزار را مناسب گزارش نموده و ضرایب آلفای کرونباخ زیرمقیاس‌های آن را بین ۰/۷۳ تا ۰/۸۸ بدست آورده‌اند.

### یافته‌ها

جدول ۱ یافته‌های توصیفی حاصل از ابزارهای پژوهش در گروه نمونه را نشان می‌دهد.

جدول ۱. خلاصه یافته‌های توصیفی حاصل از گروه نمونه دانشجویان دختر و پسر در زیرمقیاس‌های سبک هویت روان‌شناختی و هویت ملی و دینی

انحراف معیار	میانگین	گروه	متغیر	مقیاس	انحراف معیار	میانگین	گروه	متغیر	مقیاس
۱۰/۲۵	۲۹/۳۰	پسر	سخت‌گیرانه	هویت ملی و دینی	۷/۶۶	۳۶/۸۸	پسر	اطلاعاتی	سبک هویت روان‌شناختی
۷/۹۳	۳۱/۱۲	دختر	دینی		۶/۷۴	۳۸/۸۳	دختر		
۴/۷۴	۱۵/۶۴	پسر	سهل‌گیرانه	دینی	۵/۶۷	۲۸/۳۱	پسر	هنجاری	سردرگم/ اجتنابی
۴/۰۲	۱۶/۸۲	دختر	دینی		۵/۸۲	۲۹/۸۹	دختر		
۶/۰۶	۲۵/۸۴	پسر	ایران دوستی	دینی	۶/۳۲	۲۷/۹۹	پسر	تعهد	
۴/۷۹	۲۸/۳۴	دختر	دفاع از		۶/۷۸	۲۶/۸۶	دختر		
۴/۶۱	۱۸/۷۰	پسر	سرزمین	سرزمین	۵/۵۷	۳۱/۱۰	پسر		
۳/۷۱	۲۰/۸۲	دختر	سرزمین		۵/۱۶	۳۱/۸۶	دختر		

یافته‌های جدول ۱ نشان می‌دهد که در گروه نمونه، میانگین کلیه زیرمقیاس‌های سبک هویت روان‌شناختی و هویت ملی و دینی گروه دختران بالاتر از گروه پسران است. جهت بررسی گروه وجود تفاوت‌های احتمالی بین گروه دختران و پسران در نیمرخ سبک هویت روان‌شناختی، این دو گروه با



استفاده از تحلیل واریانس چند متغیری<sup>۱</sup> مقایسه شدند. نتایج حاصل از مقایسه نیمرخ این دو گروه نشان داد نیمرخ‌های دو گروه براساس شاخص معناداری از هم متفاوت هستند ( $p < ۰/۰۰۰۵$  و  $df = (۴ و ۹۹۶)$  و  $F = ۱۱/۰۸$  و  $W = ۰/۹۶$ ). این یافته بدین معنا است که نیمرخ دو گروه تفاوت معناداری از هم دارند. ادامه تحلیل و بررسی نتایج حاصل از آزمون اثر بین آزمودنی‌ها<sup>۲</sup> نشان داد میانگین تمام زیرمقیاس‌های دو گروه تفاوت معناداری از هم دارند. (جدول ۲).

جدول ۲. خلاصه یافته‌های آزمون اثر بین آزمودنی‌ها میانگین‌های زیرمقیاس‌های سبک هویت روان‌شناختی گروه دانشجویان دختر و پسر

متغیر	نوع سوم مجموع مجدورات	درجات آزادی	نسبت F	سطح معناداری
سبک اطلاعاتی	۹۵۲/۱۹	۱	۱۸/۲۸	۰/۰۰۰۵
سبک هنجاری	۶۳۰/۶۱	۱	۱۹/۱۱	۰/۰۰۰۵
سبک سردرگم	۳۱۷/۹۴	۱	۷/۴۱	۰/۰۰۰۵
اجتنابی	۱۴۴/۹۹	۱	۴/۹۲	۰/۰۳

به دلیل این‌که گروه دختران در سه زیرمقیاس سبک اطلاعاتی، هنجاری و تعهد دارای میانگین بالاتری در مقایسه با گروه پسران است. این درحالی است که گروه پسران نیز در زیرمقیاس سردرگم / اجتنابی میانگین بالاتری دارند. لذا می‌توان بیان کرد که گروه دختران در سبک‌های هویت روان‌شناختی از وضعیت مطلوبتری در مقایسه با گروه پسران برخوردار است.

در ادامه برای مقایسه گروه دانشجویان دختر و پسر در زیرمقیاس‌های هویت ملی و دینی نیز از تحلیل واریانس چندمتغیری استفاده شد. نتایج حاصل از این تحلیل نشان داد نیمرخ‌های دو گروه براساس کلیه شاخص‌های معناداری تحلیل

1. Multi- variet Analysis of Variance (MANOVA)  
2. between subject effect

واریانس چند متغیری معنادار است ( $p < ۰/۰۰۰۵$ ) و  $F = ۱۷/۳۰$  و  $df = (۴ و ۹۹۶)$  و  $W = ۰/۹۴$ ). این یافته بدین معنا است که نیمرخ دو گروه تفاوت معناداری از هم دارند. ادامه تحلیل نشان داد علاوه بر این که نیمرخ هویت ملی و دینی دو گروه دختران و پسران متفاوت است (جدول ۳)؛ بلکه میانگین تمام زیرمقیاس‌ها نیز مبین وجود تفاوت در دو گروه مذکور است. این یافته بدین معناست که این دو گروه در کلیه زیرمقیاس‌های هویت ملی و دینی تفاوت معناداری از هم دارند.

جدول ۳. خلاصه یافته‌های آزمون اثر بین آزمودنی‌ها میانگین‌های زیرمقیاس‌های هویت ملی و دینی گروه دانشجویان دختر و پسر

متغیر	نوع سوم مجموع مجزورات	درجات آزادی	نسبت F	سطح معناداری
هویت سختگیرانه دینی	۹۲۰/۳۴	۱	۱۰/۹۶	۰/۰۰۱
هویت سهل‌گیرانه دینی	۳۵۱/۵۶	۱	۱۸/۲۳	۰/۰۰۰۵
هویت ایران دوستی	۱۵۷/۵۲	۱	۵۲/۶۵	۰/۰۰۰۵
هویت دفاع از سرزمین	۱۱۲۷/۰۴	۱	۶۴/۳۶	۰/۰۰۰۵

به دلیل آن که گروه دختران در کلیه زیرمقیاس هویت ملی و دینی دارای میانگین بالاتری در مقایسه با گروه پسران است. لذا می‌توان بیان کرد که گروه دختران در هویت ملی و دینی از وضعیت مطلوب‌تری در مقایسه با گروه پسران برخوردار است.

### نتیجه‌گیری

یافته‌های پژوهش حاکی از این است که در کلیه زیرمقیاس‌های هویت روان‌شناختی، دانشجویان دختر تفاوت معناداری با دانشجویان پسر دارند. این تفاوت‌ها نیز به گونه‌ای است که در این زیرمقیاس‌ها گروه دختران دارای میانگین بالاتری است. به عقیده برخی از پژوهشگران ملاحظات عوامل زیست‌شناختی و

اجتماعی ممکن است تشکیل هویت و رفتارهای دختران و پسران را به شیوه‌های متفاوتی تحت تاثیر قرار دهد. جنسیت به عنوان یک سازه چندبعدی به هنجارها و انتظارات اجتماعی-فرهنگی در ارتباط با نقش‌ها، روابط و هویت‌های افراد اشاره دارد (جانسون، گروز و رپتا، ۲۰۰۹). در برخی از جنبه‌های شکل‌گیری هویت و در آنچه هویت موفق را تشکیل می‌دهند، مؤثر واقع شوند. لیکن برخی بررسی‌ها (به‌عنوان مثال واترمن، ۱۹۹۹) نشان داده‌اند که هم مردان و هم زنان در سطح دبیرستان و دانشگاه از الگوهای مشابه شکل‌گیری هویت پیروی می‌کنند.

نگاهی به بررسی‌های انجام‌شده در این زمینه نشان می‌دهد که بررسی‌های رشد هویت در دو جنس از دو سبک خاص پیروی می‌کنند. نخست بررسی‌هایی که توسط آرچر (۱۹۹۳) انجام شده‌اند و تفاوت‌های جنسی در رشد هویت را بیشتر در قالب نظریه سنتی اریکسون بررسی کرده‌اند. یافته‌های دو بررسی جداگانه توسط آرچر بر روی نوجوانان (اوایل و اواسط دوره نوجوانی) نشان داد که هیچ تفاوتی بین دو جنس وجود ندارد. در بررسی اول، آرچر (۱۹۸۲) دریافت که زنان و مردان به شیوه‌ای مشابه همه وضعیت‌های هویتی را تجربه می‌کنند. بررسی دوم (آرچر، ۱۹۸۹) نشان داد که دو جنس خود را به طور یکسان در فرآیند رشد هویت درگیر می‌کنند؛ به جز در وضعیت هویت زودرس که مردان بیش از زنان در این وضعیت قرار می‌گیرند. از نظر ایدئولوژی سیاسی، مردان بیشتر در وضعیت زودرس و زنان بیشتر در وضعیت هویت سردرگم قرار می‌گرفتند. با در نظر گرفتن نقش‌های خانوادگی، وضعیت دیررس و موفق در زنان بیشتر رایج بود تا در مردان.

در بررسی دیگری، رحیمی‌نژاد (۱۳۷۹) نشان داد که پسران در زمینه عقیدتی و بین‌فردی بیش از دختران در وضعیت زودرس قرار می‌گیرند، در حالی که دختران بیش از پسران در این دو حوزه، در وضعیت دیررس قرار می‌گیرند. همچنین از نظر هویت موفق در این دو حوزه، نمرات دختران و پسران نزدیک به هم گزارش شده

است. امیدیان (۱۳۸۷) نیز در بررسی وضعیت هویت بین دانش‌آموزان دختر و پسر نشان دادند که از نظر هویت کلی، تنها هویت سردرگم بین دو جنس به طور معناداری متفاوت بود؛ و پسران نمره‌هایی بالاتر از دختران به دست آوردند. در بعد اعتقادی، در هیچ حالتی تفاوت معنادار نبود، ولی در روابط بین فردی نمره هویت مغشوش در پسران بیشتر بود. مطالعه دانشور پور و همکاران (۱۳۸۶) نشان از تفاوت سبک‌های هویت اطلاعاتی، هنجاری، سردگم و تعهد در بین دانشجویان دختر و پسر بوده است.

در بررسی‌های انجام شده به سبک دوم در زمینه تفاوت‌های جنسی، گیلیگان و همکاران (۱۹۸۸) به نقل از استریتمر، (۱۹۹۳) با نظریه اریکسون درباره رشد هویت در زمینه جنس، به چالش برخاستند. این گروه استدلال می‌کنند که مفاهیم اریکسون درباره رشد روان‌شناختی سوگیری مردانه داشته و تجارب زنان را نادیده می‌گیرد. یک نوجوان سالم از نظر روان‌شناختی، حس استقلال و پویایی دارد، از نظر خودمختاری احساس رشدیافتگی می‌کند و می‌تواند به عنوان یک فرد بزرگسال شناخته شود. گیلیگان بر این باور است که انحراف اساسی در نظریه اریکسون این در مردان هویت، مقدم بر صمیمیت است و زایش مطلوب به دنبال جدایی و دلبستگی است، در حالی که به نظر می‌رسد در زنان این وظایف در هم ادغام شده اند؛ صمیمیت یا مقدم است یا همراه با هویت.

برخی بررسی‌ها نیز در تبیین تفاوت‌های جنسی بر دیدگاه گیلیگان (۱۹۷۹)، به نقل از استریتمر، (۱۹۹۳) تأکید کرده‌اند. هسته اصلی دیدگاه گیلیگان این باور است که زنان خود را از طریق ارتباط با دیگران و به شیوه‌های سنتی مردانه، تعریف می‌کنند. رشد زنان مسیری متفاوت (مسیری مبتنی بر ارتباط) را دنبال می‌کند. بنابراین تجارب اجتماعی شدن متفاوت، سبب می‌شود زنان و مردان رویکردی متفاوت به دنیا داشته باشند. برای مردان اساساً عمل از نقطه نظر خودمختاری و برای زنان از

دیدگاه ارتباطی معنا می‌یابد (مارکوس و کیتایاما<sup>۱</sup>، ۱۹۹۱) تمایل و توانایی مراقبت از دیگران را برای بسیاری از زنان جزء معیارهای خودسنجی آنان به شمار آورده است.

مقایسه دانشجویان دختر و پسر نشان داد که در کلیه زیرمقیاس‌های هویت دینی و ملی، دانشجویان دختر تفاوت معناداری با دانشجویان پسر دارند. این تفاوت‌ها نیز به گونه‌ای است که در این زیرمقیاس‌ها گروه دختران دارای میانگین بالاتری است. از دلایل احتمالی این موضوع می‌توان به رابطه نزدیک دینداری و هویت دینی و ملی اشاره نمود و بیان نمود که به دلیل آنکه کلیه زیرمقیاس‌های دینداری در دانشجویان دختر بالاتر از دانشجویان پسر است. به عنوان مثال در یک مطالعه عارفی، قرشی و ایمان<sup>۲</sup> (۲۰۱۱) نشان دادند ارتباطی معکوس بین نگرش مذهبی دانشجویان با وضعیت هویت آشفته<sup>۳</sup> و ارتباطی مثبت با هویت اکتسابی<sup>۴</sup> و بسته شده<sup>۵</sup> وجود دارد. لذا هویت ملی و دینی دختران نیز بالاتر از پسران است؛ به طوری که این یافته‌ها در پژوهشی دیگر که در ایران انجام گرفته است، مورد تایید است. در پژوهشی یافته‌ها نشان دادند که دختران نمره بالاتری را در آزمون انگیزه مذهبی<sup>۶</sup> گرفته اند (طالقانی<sup>۷</sup> و همکاران، ۲۰۰۶). این افزایش نمره در دختران نسبت به پسران را طالقانی و همکاران (۲۰۰۶) این چنین تبیین می‌کنند که مذهب برخی از حمایت‌های اجتماعی را فراهم می‌آورد و منبعی از ترویج و ارتقای سلامتی را برای زنان در جامعه ما فراهم می‌آورد؛ در حالی که مردان این حمایت را از راه‌های متفاوتی به دست می‌آورند. همچنین یافته‌های پژوهش هماهنگ با پژوهش دیگری بود که از سوی موسوی و روشن<sup>۸</sup>

- 
1. Markus, & Kitayama
  2. Arefi, Ghoreshi, & Eiman
  3. diffused identity
  4. foreclosed
  5. achieved
  6. religious motivation test
  7. Talegani
  8. Mousavi, & Roshan

(۲۰۱۰) انجام گرفته است. نتایج آنها نیز نشان داد که ابعاد هویت مذهبی و ملی، مشارکتی و هنجاری<sup>۱</sup>، در دانشجویان مونث در مقایسه با دانشجویان مذکر بالاتر بود.

در مجموع پژوهش حاضر نشان داد کلیه زیرمقیاس‌های هویت اطلاعاتی، هنجاری و تعهد، هویت دینی و ملی در دانشجویان دختر در مقایسه با دانشجویان پسر مطلوب‌تر است. در حالی که بالاتر بودن میانگین هویت سردرگم و اجتنابی در پسران نشان از وضعیت نامطلوب‌تر آنها است. این یافته‌ها در کل موید وجود نابسامانی روان‌شناختی و اجتماعی در دانشجویان پسر در مقایسه به دانش‌آموزان دختر است و از آنجائی که قشر مذکر جامعه قشر فعال‌تر و پویاتر اجتماع به‌شمار می‌روند، لذا توجه جدی مسئولان ذی‌ربط را می‌طلبد.

#### منابع

- امیدیان، مرتضی. (۱۳۸۷). *مقایسه شادمانی و تحقق خویشتن با توجه به فرایند هویت یابی در دانشجویان دانشگاه یزد*. مجموعه مقالات چهارمین سمینار بهداشت روانی دانشجویان. ص ۵۵۰.
- شهرآرای، مهرناز. (۱۳۸۴). *روان‌شناسی رشد نوجوان: دیدگاهی تحولی*. تهران: انتشارات علم.
- رحیمی نژاد، عباس (۱۳۷۹). *بررسی تحولی هویت و رابطه‌ی آن با حرمت خود و حالت اضطراب در دانشجویان دوره کارشناسی، دانشگاه تربیت مدرس، رساله دکتری*.
- غضنفری، احمد. (۱۳۸۳). *اعتباریابی و هنجاریابی پرسشنامه سبک هویت (SI-6G)*، مطالعات تربیتی و وانشناسی، ۱، ۸۱-۹۴.
- قسامی، محبوبه. (۱۳۸۳). *بررسی رابطه نحوه عملکرد خانواده با سبک‌های هویت دانشجویان دختر دانشگاه الزهراء*. پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه الزهراء.

- لطف‌آبادی، حسین؛ نوروزی، وحیده. (۱۳۸۳). *نظریه‌پردازی و مقیاس‌سازی برای سنجش نظام ارزشی دانش‌آموزان نوجوان ایران*. فصلنامه نوآوری‌های آموزشی، ۷، ۳۳-۵۸.
- ماسن، هنری پاول، کیگان، جروم. (۱۹۸۴). *رشد و شخصیت کودک*. ترجمه مهشید یاسایی (۱۳۸۰). تهران: نشر مرکز.
- Adams, G. R. (1998). *The Objective Measure of Identity Status: A reference manual*. Unpublished Manuscript, University of Guelph.
- Archer, S. L. (1985). *Career and/or family: The identity process for adolescent girls*. *Youth and Society*, 16, 289-314.
- Arefi, M., Ghoreishi, M., & Eiman, S. (2011). *Relationship between identity formation, religion attitude, ethnicity, and gender among students of urmia university (IRAN)*. *International Journal Of Academic Research*. 3, 2, 1272-1278.
- Berzonsky, M. D. (1992). *Identity style and Coping Strategies*. *Journal of Personality*, 60, 771-788.
- Berzonsky, M. D. (2003). *Identity style and well-being: Does commitment matter? Identity*. *An International Journal of Theory and Research*, 3(2), 131-142.
- Berzonsky, M. D. (2008). *Identity formation: the role of identity processing style and cognitive processes*. *Personality and Individual Differences*, 44, 643-653.
- Cote, J. (2009). *Identity formation and self-development in adolescence*. In R. M. Lerner, & L. D. Steinberg (Eds.), *Handbook of adolescent psychology: Individual bases of adolescent development*. New York, NY: Wiley
- Eriksson, E. H. (1968). *Identity: Youth and Crisis*. New York; W.W. Norton.
- Huston, A. (1983). *Sex typing*. In E. M. Hetherington (Ed.), *Handbook of Child Psychology: Socialization, Personality and Social Development*, Vol. 4 (pp. 387-487). New York: Wiley.
- Johnson, J. L., Greaves, L., & Repta, R. (2009). *Better science with sex and gender: facilitating the use of a sex and gender-based analysis in health research*. *International Journal for Equity in Health*, 8 Retrieved October 31, 2009 from <http://www.equityhealthj.com/content/8/1/14>.
- Josselson, R. (1982). *Personality structure and identity status in women as viewed through early memories*. *Journal of Youth and Adolescence*, 11, 293-299.
- Kroger, J., Martinussen, M., & Marcia, J. E. (2010). *Identity status*

- change during adolescence and young adulthood: a meta-analysis.* Journal of Adolescence, 33, 683–698.
- Markus, H.R., & Kitayama, S. (1991). *Culture and the self: Implications for cognition, emotion, and motivation.* Psychological Review, 98(2), 224–253.
  - Marcia, J. E. (1966). *Development and validation of ego identity status.* Journal of Personality and Social Psychology, 3, 551–558.
  - Marcia, J. E. (1983). *Some directions for investigation of Ego development in early adolescence.* Journal of Early Adolescence, 3, 215–223.
  - Montgomery, M. J. (2005). *Psychological intimacy and identity: From early adolescence to emerging adulthood.* Journal of Adolescent Research, 20(3), 346–374.
  - Mousavi, R., & Roshan, R. (2010). *Investigating different aspects of identity among the students of Tehran Universities: the role of sex differences.* Procedia Social and Behavioral Sciences 5, 1884–1889.
  - Streitmatter, J. (1993). *Gender differences in identity development: An examination of longitudinal data.* Adolescence, 28(109), 55–77.
  - Talegani, N., Roganji, M., & M. Shokri, M. (2006). *Relationships between religion orientation and well being in Razi University Students.* Article presented in Third Conference of Students' Psychological Health. Tehran. Iran.
  - Waterman, S.A. (1999). *Identity as an Aspect of Optimal Psychological Functioning.* In Adolescent Identity information (Ed) by Adams G.R Gullotta T.P. and Montema Yor, R-Sage Publication.